



«زیارت نیابتی» با تلویزیون اینترنتی حبیب

معاونت فضای مجازی سازمان صداوسیما با راه اندازی تلویزیون اینترنتی حبیب در قالب پویش «زیارت نیابتی» گامی در رفع دل‌تنگی عاشقان حسین (ع) برداشت. به گزارش روابط عمومی معاونت فضای مجازی رسانه ملی برای همراهی و استفاده از تولیدات مردمی در پویش زیارت نیابتی، وب‌سایت Habib.Tv.ir با قابلیت

قصه شروع ماجرا

❖ **قصه را فرار! بعد از مدت‌ها سراغ محیط زیست و محیط بانانش رفته است. از شروع این ماجرا و شکل‌گیری آن بگویید.**

پهرنگ توفیقی، کارگردان: محیط‌زیست همیشه جزو دغدغه‌های من بود ولی شاید اگر فیلمنامه‌ای مثل این کار درباره محیط‌زیست به من پیشنهاد نمی‌شد، هیچ‌وقت هم آن را نمی‌ساختم. در واقع می‌خواهم از اهمیت مدیریت انتخاب‌ها در سازمان بگویم. به هر حال تصمیمی آنجا گرفته شد که کاری در این باره ساخته شود و از شانسمن به من پیشنهاد شد و آن را کار کردم.

❖ **یعنی داستان این مجموعه باعث بازگشت‌تان از فضای نمایش خانگی بعد از «آقازاده» به تلویزیون شد؟**

توفیقی: من بعد از «آقازاده» پیشنهادهای مختلفی در تلویزیون و همان نمایش خانگی داشتم اما اساسا در انتخاب کار دو مورد یعنی فیلمنامه و تهیه‌کننده برایم ملاک هستند. ابتدا اگر فیلمنامه قابل تایید نباشد که اصلا سراغ مرحله بعد نمی‌روم. در بین تمام فیلمنامه‌هایی که برایم فرستاده بودند «افرا» از بقیه یک سر و گردن بالاتر بود. در واقع اثری بود که می‌شد دغدغه‌هایت را در آن ببینی و پیش‌بینی کنی قرار است کاری بسازی که بخشی از وجودت را درگیر کند و بعد از ساختن حالت خوب شود. من دلم نمی‌آمد به این کار نه بگویم و نمی‌خواستم فرد دیگری آن را بسازد. از طرفی، درون من حسادت‌ی وجود دارد که باعث می‌شود وقتی فیلمنامه خوبی را می‌خوانم دلم بخواهد آن را بسازم و به همین دلیل طاقت ندارم آن را از دست بدهم. علاوه بر اینها از آقایان دارابی و مولایی هم که در حرفه ماشناخته شده هستند، بسیار به نیکی شنیده بودم و در نهایت خیلی زود به توافق رسیدیم. این همکاری برای من بسیار لذت‌بخش بود چون آقای دارابی برای هر سکانس دغدغه دارد و می‌داند چه اتفاقی قرار است سر صحنه بیفتد. او به همین دلیل متوجه اهمیت موضوعات مختلف بود و با توجه به محدودیت‌های به خصوص مالی که در سریال‌سازی در تلویزیون وجود دارد، مصرانه پای همه اتفاقات می‌ایستد.

❖ **آقای دارابی برای شما انتخاب موضوعی که چندان امتحانش را در تلویزیون پس نداده، ریسک نبود؟ چون خیلی وقت‌ها تهیه‌کننده‌ها ترجیح می‌دهند سراغ قصه‌هایی بروند که آزمایش‌شان را پس داده‌اند.**

کامبیز دارابی، تهیه‌کننده: فیلمنامه آنقدر مناسب بود که مطمئن بودیم با ساخت آن توسط آقای توفیقی اتفاق خوبی برایش میفتد. در مورد ریسک هم باید بگویم شما وقتی می‌خواهید کار خوبی ارائه کنید، باید در آن یک ریسک و اتفاق تازه وجود داشته باشد وگرنه به یک اثر خنثی تبدیل می‌شود؛ کاری که دیدن و ندیدن آن چندان فرقی نمی‌کند. داستان محیط‌زیست هم از آن مواردی است که در تلویزیون خیلی به آن پرداخته نشده‌و اگر هم بوده آن‌طور که باید و شاید از آب در نیامده و طبیعتا دیده هم نشده است. اینجا ما دنبال محیط‌زیست رفتم ولی در کل شما وقتی سراغ محدودیت‌های هر حوزه‌ای می‌روید، با یک ریسک مواجه می‌شوید. آن هم کاری که قرار است از تلویزیون پخش شود و مخاطب جلب کند. همه اینها در انتخاب چنین موضوعاتی با خودشان ریسکی به همراه دارد که برای ساختن کار خوب باید آن را پذیرفت. بخشی از سریال، سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت است. اما اگر می‌خواهید تاثیرگذار باشید باید به معضلات و مشکلات بپردازید. اتفاقی که آسان نیست و با ریسک همراه است، ولی باید ریسکش را هم به جان خرید چون جذاب است.

❖ **فکری می‌کنید توانستید حق مطلب را با این ریسک ادا کنید؟**

دارابی: به نظرم هیچ کاری صد درصد نیست.

توفیقی: همان‌طور که فراکسیون محیط‌زیست مجلس هم اذعان کردند، اتفاقی که با یک سریال باید بیفتد، رخ داد. شما هیچ‌وقت نمی‌توانید با کاری ادعا کنید که می‌خواهید جهان را زیر و رو کنید. به هر حال همین که حرفه‌ای زده و بایی باز شود برای اتفاقاتی که قرار است در آینده رقم بخورد، کفایت می‌کند. ما قرار نبود کار سفارشی بسازیم و در قصه شخصیتی داشتیم که محیط‌بان بود. در این میان، آنقدر که فضا به ما اجازه می‌داد، در کنار شخصیت‌پردازی کاراکتر مسعود، به اندازه نیاز قصه به ماجرای محیط‌بانان هم پرداختیم. به همین دلیل فکری می‌کنم آنقدری که باید سراغ این جریان رفته‌ایم.

دارابی: من به‌تازگی مطلبی خواندم که گویا با دیدن این سریال مصمم گرفتند یک قاضی مشخص برای پرونده‌های این حوزه گذاشته شود. این هم جذاب است. یا چند وقت پیش در شبکه گیلان برنامه‌ای پیرو سریال افرا پخش کردند و بعد نماینده دادگستری استان از این اتفاق گفت. همه اینها جذاب و جالب هستند. این‌که شما فکر کنید سریالی ساختید که تاثیر خودش را گذاشته و جذاب و جالب است. قطعاً هیچ کاری صددرصد نیست و ما هم این ادعا را نداریم. اما بنا به ظرفیت قصه و به نسبت آنچه می‌توانیم از آن حرف بزنیم، فکری می‌کنم یک قدم رو به جلو برداشتیم.

یک تلاش موفق برای تکرار نشدن

❖ **آقای صادقی شما از بازیگرانی هستید که بیشتر در فضای تئاتر مشغول بودید و خطر بازی‌های غلیظ به واسطه این جریان در رسانه‌ای مثل تلویزیون وجود دارد. چطور از عهدۀ نقش پیمان برآمدید؟**

محمد صادقی: من از همان زمانی که تئاتر کار می‌کردم، مدل و سبک بازی‌ام خیلی روان و به اصطلاح سینمایی بود. می‌توان گفت به قولی تئاتر کالیتۀ ندارم یعنی در خود تئاتر نیز همین‌طور است. به عنوان مثال من با مرتضی اسماعیل کاشی «مقیستو» را کار کردم. با محمدرضا علی‌اکبری و خیلی از چهره‌های دیگر تئاتری نیز همین‌طور. افرادی که انسان‌های بزرگی در تئاتر هستند اما وقتی آن کارهنگاه می‌کنم می‌بینم جنس بازی من همیشه بازی تصویر بوده همیشه و آن غلظت را در تئاتر بیشتر می‌کنم. اینها یعنی فضای تصویر برای من راحت‌تر است.

❖ **برای این نقش پهرنگ توفیقی چقدر در هدایت شخصیت پیمان نقش داشت؟**

این را از قول پهرنگ توفیقی نقل می‌کنم چون چیزی نیست که خودم درباره آن نظر دهم او روزی به من گفت تو خیلی بازیگر حس‌ای هستی و اتفاقا نیاز است روی این بخش کنترل بیشتری وجود داشته باشد. آقای توفیقی واقعا پدانه این‌کار را برای من کرد و من از او ممنون هستم. در واقع پهرنگ کاری با من کرد که توانستم به واسطه آن از شخصیتی که هر چند از نظر کمیتی کوتاه بود اما از نظر کیفی جدا از پیمان به نقطه‌ای برسم که ایفای آن برای خودم هم پر از کیف باشد. من این کیف را مدیون پارتورها، آقای توفیقی و گروه هستم چرا که هر کسی در جایگاه خودش بهترین بوده و همین جریان دست به دست هم داده تا این حس را به مخاطب و بقیه‌ای که پیمان را دوست داشتند،

لهجه‌های معلق بین بودن و نبودن

❖ **ریتم قصه ابتدا با وجود آرام پیش رفتن، فرار و فرودهای مختلفی داشت/ اما در ادامه فقط شاهد رفت و آمد خانواده‌ها به دادگاه بودیم و هیچ اتفاق تازه‌ای در آن رخ نمی‌داد. چقدر حواستان به این روند بود؟**

توفیقی: به هر حال این فضا اقتضای قصه بود. شاید اگر شما فیلمنامه را می‌خواندید خیلی برایتان غیر قابل پیش‌بینی به نظر می‌آمد. فیلمنامه هم ستون کار است و من در اجرا همیشه به آن پایبند هستم. وقتی فیلمنامه این ریتم را می‌خواهد حتماً آن را لحاظ می‌کنم. یعنی حسم این است مسیری که قصه در حال طی کردن آن است، اگر در جایی کندی و لختی یا فرار و فرود دارد، قطعاً باید در اجرا لحاظ شود، البته اگر نیاز قصه باشد.

در این بین اگر بشود ریتم بهتری به آن داد، حتما این اتفاق می‌افتد. شما می‌توانید ببینید در سریال‌های این چنینی آن انرژی که ما برای سکانس‌های اکشن و فضا‌هایی که در حین تعقیب و گریز داشتیم، شاید در حوصله و بودجه خیلی از پروژه‌ها ننگبند اما با توافق که با آقای دارابی داشتیم، گفتیم یا نباید سراغش برویم یا در نهایت آن هزینه، انرژی و زمان گذاشته شود. در آخر تمام ریتم را خود فیلمنامه تعیین می‌کند.

❖ **نقد دیگری که به «افرا» وارد است، به لهجه بازیگران برمی‌گردد. در بین شخصیت‌ها از مسعود گرفته تا مائده و پیمان لهجه و آهنگ صدا مدام نوسان دارد.**

توفیقی: سارا باقری خودش اهل گیلان است. مادر من هم اهل گیلان است و خودم هم نیمی از عمرم را آنجا گذراندم به همین دلیل همیشه دغدغه مردم آنجا دغدغه من هم بوده. یکی از ماجراهایی که من دارم این است که شاید مثل خیلی از اقلی‌های دیگر آن قدر برای حفظ زبان و لهجه‌شان اهتمام نوزیده‌اند. این یکی از گله‌مندی‌های من است. شما امروز در بین دانشجویان رشتی تقریبا دیگر لهجه‌ای نمی‌بینید. خلاصه شما مطمئن باشید این موارد از زیر دست من در نمی‌رود. (باخنده)

❖ **مسعود هم جوان است اما با گویش صحبت می‌کند.**

توفیقی: او عاشق جنگل است و کسی که عاشق این فضااست معاشرت‌ها، دوستانش و همه اتفاقاتی که با آن سرو کار دارد هم فرقی می‌کند. با همه اینها در اغلب شخصیت‌ها من جاهایی این لهجه را لحاظ کردم. مثلا در اولین سکانسی که از باقری گرفتیم، او در جایی به جای صبر کن می‌گوید «یک دقیقه بمون» و موارد مختلف‌این چنینی.

❖ **یعنی در حد همین تک جمله‌ها؟**

توفیقی: نه همه اینها! اشاراتی به لهجه هستند و برای بیننده تیزبینی که مورا از ماست بیرون می‌کشد، کافی است. شاید اگر در جاهای دیگر آن را تکرار می‌کردیم از آن میزانی که دلم می‌خواست بیشتر می‌شد. خلاصه آن‌که در مورد گویش‌ها و لهجه‌ها متاسفانه هیچ نقدی را به کار نمی‌پذیرم. همیشه سعی کردم برای شخصیت‌ها مابه‌ازای بیرونی داشته باشم. نسرین بابایی شبیه مادر من است. مادرم اهل گیلان بود و پدرم خیر اما او با همان لهجه در خانه حرف می‌زد. پرتزان بازنی که اولین بار با گویش شمالی او را درکاری دیدم، آن‌قدر درست حرف می‌زد که در ذهنم ماند و گفتم هر وقت شخصیت شمالی که درست حرف بزنند را می‌خواهم باید سراغ او بروم. در ادامه ما بازیگران نقش‌های مکمل را از شمال انتخاب کردیم. با این‌که این ریسک داشت.

تفاوت دنیای نمایش با دنیای واقعی

❖ **ایهامی درباره شخصیت افراسیاب مطرح شده بود. این‌که افراسیاب مامانی وکیل متفاوتی است و در دادگاه همه چیز را به شوخی می‌گیرد و اصولا فرد جدی‌ای نیست! یا این‌که از شاهدان می‌خواهد در دادگاه حقیقت را نگویند!**

دارابی: هیچ کجا نمی‌گوید که شاهدان حقیقت را نگویند. از خواهر مسعود می‌خواهد بگوید که ندیدم. به هر حال وکیل کارش این است که از موکلش دفاع کند. یعنی ماهیت کارش این است.

(توفیقی با گویش همان افراسیاب مامانی می‌گوید: نگو شنیدم، بگو ندیدم) و همه می‌خندند.

توفیقی: ما در قصه‌مان وکیل را این گونه نشان دادیم. به هر حال بحث فردیت هاست. ما حتی محیط‌بانی را نشان می‌دهیم که به دلیل عشقی که به محیط زیست دارد عصبی و تندخو و رفتارهایش گاهی اغراق‌آمیز است. معنی‌اش این نیست که همه محیط‌بان‌ها این گونه هستند.

دارابی: البته ما در کنارش محیط بانهای دیگری مثل علیرضا و یا رحیمی داریم. در کنار افراسیاب مامانی هم وکیل دیگری را می‌بینیم که متفاوت از اوست.

توفیقی: اگر این گونه باشد که باید همه افرادی که پرورش ماهی دارند اعتراض کنند و بگویند چرا عقل این طوری ندیدم تا بتوانم بازسازی‌اش کنم. من طوری نگاه می‌کنیم؟ به هر حال رفتارهایشان فردی است و نمی‌خواهیم به همه تعمیم بدهیم. باید بپذیریم که دنیای نمایش با دنیای واقعی تفاوت دارد. ما که کار مستند نمی‌سازیم.

بازگداری محتوای توسط کاربران (UGC) فراهم شده است. مشتاقان زیارت، به این وب‌سایت مراجعه و مشخصات خودشان را ثبت می‌کنند و در فرآیندی موازی این تقاضا به زائران عراقی و ایرانیانی که امکان حضور در پیاده‌روی دارند، منتقل شده و درخواست پذیرفتن و به نیابت از ایشان زیارت انجام می‌گیرد. در این زمینه برای

تولید محتوای مناسب اربعین و باکیفیت در فضای مجازی، معاونت فضای مجازی تعدادی از فعالان شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی را به این سفر اعزام کرد. کاربران رسانه‌های اجتماعی می‌توانند با هشتک #به‌تواذورسلام و #زیارت.نیابتی به غنای محتوای اربعینی کمک‌کرده و در این پویش شرکت کنند.

به غنای محتوای اربعینی کمک‌کرده و در این پویش شرکت کنند.

به غنای محتوای اربعینی کمک‌کرده و در این پویش شرکت کنند.

گفت‌وگو با عوامل سریال افرا که این

تلخی «افرا» بر



❖ بیشتر از؟ شب است شبکه یک، قصه‌ای با محوریت دردسرهای یک محیط‌بان را روی آنتن برده است؛ سریال «افرا» به کارگردانی پهرنگ توفیقی و تهیه‌کنندگی کامبیز دارابی و جواد مولایی که در قالب یک ملودرام خانوادگی این شب‌ها به نقطه‌ای پر از استرس و غم رسیده است.	فاطمه شه‌دوست زینب علیپورطهرانی
❖ داستان افراد در جنگل‌های شمال می‌گذرد و می‌شود گفت بعد از مدت‌ها و حتی برای اولین بار است این‌گونه	رسانه

به توانایی بازیگرها ایمان دارم

❖ **نقش مسعود فروش کاملاً متفاوت از جواد حوادی «پچه‌مهندس» بود، از انتخاب روزبه حصارى برای این نقش هم بگویید.**

توفیقی: واقعیت این است که اولاً من سریال‌ها را می‌بینم و بازی‌اش در پچه‌مهندس را هم دیده بودم. اما روزبه حصارى را سال‌هاست که می‌شناسم و نتاترهایش را هم دیده بودم. او همچنین نامزد من برای بازی در سریال پدر بود که به دلیل اجرای تئاتری که داشت نتوانست بازی کند. منظور همان نقشی است که نیما رئیس‌ی بازی کرد. با این حال تکلیف من با این بازیگر روشن بود و من دانستم این توانایی در وجود این بازیگر هست. درباره همه بازیگرها این اتفاق افتاد. من به توانایی تکت‌تک آنها و ابعاد بازیگری‌شان واقف بودم. حتی در مورد کاراکتر پیمان به من گفتند نمی‌تواند آن معصومیت را در بازی پیمان داشته باشد اما من می‌دانستم که این اتفاق می‌افتد، ولی به عقیده عده‌ای به لحاظ کلیشه‌ای شاید سینما مهراد به نقش پیمان نزدیک‌تر بود اما من سریال‌ها را می‌بینم و با دیدن آنها به توانایی بازیگر پی می‌برم.

❖ **این خیلی نگاه ارزشمندی است، چون اغلب بازیگران از نگاه کلیشه‌ای کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌ها کله‌مند هستند و تمایل به بازی در قالب نقش‌های متفاوتی دارند که معمولاً شرایطش مهیا نمی‌شود.**

توفیقی: خاطره‌ای برایتان تعریف می‌کنم. یک روز سینا مهراد به من گفت یک کارگردان به من پیشنهاد نقش جوان مذهبی داده. من به او گفتم اگر جای تو بودم با آن کارگردان کار نمی‌کردم. چون دو بار چین نقشی را بازی کردی.

ترس از بازی کردن جلوی مهدی سلطانی

❖ **خانم باقری نقش مائده در این سریال از جایی به بعد پر از غم، فشار و نگرانی‌هایی است که شاید برای کسی که اولین بار در رسانه تلویزیون آن تجربه می‌کند، سخت باشد. این تجربه برای شما چطور بود؟ از این حجم فشار فکری مائده اذیت نشدید؟**

سارا باقری: همان‌طور که گفتید از میانه ماجرا این فشار به وجود می‌آید و از قسمت اول تا دهم که این اتفاق نمی‌افتد و ما تا آن قسمت شخصیت دیگری از مائده این شب‌ها را می‌بینیم. شخصیت یک دختر شاد ۴۰ساله که با دغدغه‌هایی برای همین سن روبه‌روست. با این حال باید بگویم نه، ایفای این نقش برای من اذیت‌کننده نبود چون

به‌طور کلی مائده خیلی از من دور نبود. و یک‌سری از واکنش‌هایش از مواردی بود که سارا باقری نیز به همان شکل آن را انجام می‌دهد. درونگرا بودن مائده هم مثل خودم بود و البته در بعضی بخش‌ها هم از من خیلی دور بود. با این حال اتفاقی که در صحنه می‌افتاد این بود که بستر برای انعکاس آنچه باید از نقش دیده شود، فراهم بود.

❖ **منظورتان فضای کلی‌کار است؟**

بله، گاهی پیش می‌آید سر کاری حاضر می‌شوید که همه می‌خندند و کسی نمی‌داند قرار است آن بازیگر

الان چه سکانسی را بازی کند اما آقای توفیقی هیچ فرقی بین بازیگران‌شان نمی‌گذاشتند و همان اندازه که برای آقای سلطانی (که البته فکر نمی‌کنم نیازی به این زمان داشته باشند)

نیازی به این زمان داشته باشند)

نیازی به این زمان داشته باشند)